

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

۰۷ فروری، ۲۰۲۴

نویسنده می اسکینازی  
ترجمه: خانم رقیه حبیب - به اهتمام . م. نظام

## زنان افغان تعلیم و فعالیت های اجتماعی در عصر امانی ۱۹۱۹ - ۱۹۲۹



### مقدمه مهتم:

چونکه پناهندگان افغان بر عکس اکثریت مهاجرینی که از سرتاسر جهان به ممالک مترقی مقیم شده اند، ناوقت تر در سرزمین های دارای اقتصاد مطمئن و مرفه مسکن گزید گردیده اند، آنهم صرف از جبر زمان و بعد از سقوط مادر وطن شان ذریعه خیانت پیشگان «خلق و پرچم» و اشغال خونین کشور که منجر به جنگ های خانمانسوز و بربادی افغانستان عزیز گردید، صورت پذیرفت. یکی از صدماتی که آوارگان افغان متحمل گردیدند، تا قبل از انکشاف انترنت، بدون شک دوری از فرهنگ و داشته های اجتماعی از قبیل دسترسی به مطالعه و امکانات سمعی و بصری به السنه وطنی خود شان بوده است. این قلم و فامیل بعد از فراغت شوهر از حبس و اتهام ضد رژیم بودن برای بار دوم مورد شک اولیای امور دولت چپگرای ترکی ملعون و ببرک بیوطن قرار گرفت، با بکس کوچکی راهی سرنوشت نامعلوم و آینده مبهم و درد جانکاهی با اندوه فراوان از طریق پاکستان، ترک بهترین و زیبا ترین سرزمین عالم را نمودیم.

ماه ها بعد، یعنی قبل از غصب و تصرف دارایی های منقول و غیر منقول ما، خواهرم ذخیره کتابخانه کوچک، یعنی سرمایه معنوی ارزشمندی را که هنوز در دسترس بود، با مشکلات فراوان به آدرس یکی از اعضای فامیل مقیم واشنگتن ارسال نمود. این گنجینه مهم در حدود دو سال را در سفر دور دنیا و استعمال امکانات پستی در ممالک سوسیالیستی و غربی، در حالیکه دیگر امیدی برای رسیدن آن موجود نبود، سپری نمود و بالاخره در گمرک بندر «بالتیمور» ایالت «مریلند» مواصلت کرد. بعد از بررسی کتب و چند تا البم عکس های فامیلی، متوجه شدیم که تعدادی از ایرانی ها با شتارت ادعای مالکیت کتب را مینمایند. پناه بر خدا! خوی بد در طبیعتی که نشست. بالاخره آنچه محتویات کارتن ها را نجات داد، همان موجودیت عکس های فامیلی و تاپه های اسم من در داخل کتب بود که مؤلف گمرک را قناعت داد که مالک ما هستیم.

امروز که چهار دهه از آن روزگار سپری میگردد، مشکل قلت کتب و منابع مطالعاتی بکلی رفع گردیده است، ولی آن گنجینه کمیاب برای سالهای متمادی غنیمت بزرگی در حیات اجباری مهاجرت بشمار میرفت، مخصوصاً که چند جلد دکشنری و فرهنگ عمید هم ضمیمه بود.

امروز هزاران کتاب و رساله از برکت موجودیت وسائل نشراتی گوناگون و دسترسی هموطنان در اکثر ممالک جهان، به سهولت و سرعت به نشر میرسند. این رساله دلچسپ و آموزنده هم در یکی از مطابع شخصی در شهر «لیموژ» فرانسه منتشر گردیده است.

\*\*\*\*\*

در جنوری سال ۱۹۲۱ یک مکتب دخترانه در کابل گشایش یافت. بقول امان افغان که مهمترین اخبار پایتخت بود، در مراسم افتتاح، مدیره مکتب اظهار داشت که این اولین مکتب برای دختران است «مکتب مستورات». گویا قبل برین برای دختران وسیله تعلیم در مکتب وجود نداشت و همچنان زنان از شرکت در امور حیات اجتماعی محروم بودند. «کلمه مستورات معنی مخفی و پوشیده را میدهد» و قشر مخفی جامعه محسوب میشدند.

مکتب از سوی زنان خانواده شاهی اداره میشد و تعداد شاگردان در آغاز در حدود پنجاه نفر بود. اما از طرز اداره و سیستم درسی معلوماتی تا امروز بصورت مؤثق داده نشده، اینها از قول امان افغان است که باز هم اسم مکتب را «مستورات» ذکر کرده و ما در آینده آنرا بهمین اسم یاد خواهیم کرد و همین اخبار معلوماتی مؤثق که در فوق ذکر شد، نیز بدسترس نخواهد بود.

تقریباً کلیه معلوماتی که ما در رابطه با این مکتب ارائه میداریم، متکی به معلومات شفاهی می باشد. تفصیلات همه ضمن صحبت با اولین دسته از دخترانی که مکتب دیده و شامل مکتب شده بودند، در سال های هفتاد در کابل بدست آمده که تقدیر و قدردانی ازین خدمت، مال آنها است.

بقرار عنعنه در کشور اسلامی افغانستان، جهان زن داخل منزل او بوده و حیات در همان محدوده جریان داشته، کفایت و صلاحیت زن منحصر به طبخ، تربیت طفل و کار های دست دوزی و سوزن دوزی و تنظیم امور خانوادگی مانده است. وقتی دختر به سن بلوغ میرسد، باید خارج از منزل چادری بر سر کند. وظیفه آنها در داخل منزل، فراگرفتن تدبیر منزل و امور خانوادگی است و در بعضی خانواده ها توسط معلم خصوصی خواندن و نوشتن و تلاوت قرآن کریم می آموزند.

اما تعلیم خارج از خانه خاص پسران است. همچنان در مدارس دینی که مربوط به مساجد باشد. بر علاوه خواندن و نوشتن و تلاوت قرآن کریم، مبادی علوم دینی تدریس میشد.

در اوایل عصر حبیب الله خان یعنی شروع قرن بیست میلادی که تعلیمات مدرن آغاز گردید، باز هم این تحول خاص پسران بود و دختران از آن بهره ای نداشتند.

ولی عدم موجودیت مکاتب مانع ظهور زنان دانشمند در جریان این مدت نگردید. طور مثال از جمله آنان یکی به زنان علاقمندی خاص نشان داده و در سال ۱۹۵۲ میلادی اثری در معرفی زنان دانشمند بنام «**پرده نشینین سخنگوی**» که در حد امکان میتوان گفت که مکمل است، برشته تحریر درآورد که از سوی انجمن تاریخ در کابل به طبع رسید.

قابل ذکر است که این دسته از زنان تا حد زیادی نا شناخته مانده اند. تنها آن عده از ایشان که به دربار و خانواده محمد زایی ارتباط داشتند، از شهرتی برخوردار شده اند؛ اما باقی نویسندگان، خاصتاً شعرای شهر کابل و یا اطراف که عامه مردم و از طبقه پائین اجتماع کابل و ولایات بودند، از شهرتی که در خور شان بود، محروم ماندند. کلیه یا قسمتی از آثار قلمی آنها در انزوای فراموشی باقی است. اینجا فقط از چند تن از آنجمله میتوان یاد آوری نمود:

عایشه افغان « سال وفات ۱۸۲۰ میلادی » یگانه شاعری بود که کلیات اشعارش در ربع اخیر قرن ۱۹ لیتوگرافی شد، یعنی توسط چاپ سنگی که از نخستین چاپخانه های افغانی است، طبع گردید. دیگری بی بی سنگی که از او تنها چند شعر باقی مانده است. اما مریم کنیزک و صنوبر عاجزه که هردو خواهر از هرات بودند و بعد تر مستوره غوری «سال وفات ۱۹۲۸» میلادی، محجوبه هیروی، مخفی بدخشی، شهرت بیشتری یافتند.

در خانواده محمد زایی و اولاده سلطان محمد خان طلائی، یکی از کواسه های اوعلیا جناب «سال وفات ۱۹۱۰م» صبیئه محمد یوسف خان، زوجه جوان امیر حبیب الله خان را میتوان نام برد. او زنی بود تحصیلکرده و واجد ذوق هنری و چون خانواده اش به هند تبعید شده بودند، به زبان اردو بلدیت داشت. از وی اثر ترجمه شده ای باقیست. باقی زنان از آن طبقه نیز که دسترسی به معلمان خانگی و خصوصی داشتند و مبادی علوم دینی و مسائل زندگی را آموخته، ذوق مطالعه و تمایلی به سوی کار های دستی از خود بروز داده اند، شهرت و مؤفقیت مناسبی، متناسب به استعداد خود میسر شان گردید که میتوان از آن میان از آمنه فدوی «۱۸۵۹م - ۱۹۲۵م»، صبیئه نور محمد خان یکی از نواسه های سلطان محمد خان طلائی نام برد که قبل از وفات در عالم زهد و تقوی اشعاری سروده که تا حال باقیست.

دیگری فاطمه سلطان ملقب به فاتو جان و آغا جان «سال وفات ۱۹۳۰ م»، صبیئه امیر دوست محمد خان و هم صبیئه فاتو جان، تاجور سلطان، هردو به خطاطی علاقه داشته و نمونه خطاطی شان موجود است. همچنان نواسه دیگر امیر دوست محمد خانف همسر امیر عبدالرحمن خان، حلیمه ملقب به ببو جان «۱۸۶۵ م - ۱۹۲۵ م» به موسیقی و شعر علاقمند بود

اما برای امان الله خان که بعد از پدرش حبیب الله خان در سال ۱۹۱۹ م جانشین او شد، ایجاد سیستم تعلیم و تربیت برای دختران در صدر پروگرام و اصلاحات اجتماعی او قرار داشت، ولی دو سال اول سلطنت وی وقف دو موضوع عمده گردید، اول استرداد استقلال کشور و کسب شناسایی آن توسط قدرت های جهانی عصر و دیگری تعیین وزرا برای اداره امور کشور به اساس نورم ها و مقررات مدرن و مترقی.

معهدا در وزارت معارف موسوم به نظارت معارف، به سال ۱۹۲۰ پلان ها و تصامیمی بسیار پر ثمر روی دست گرفته شد، مخصوصاً پروگرام خاص مکتب دختران موسوم به «ترتیب پروگرام مکتب نسوان» از جمله پلان هایی بود که در اولین جلسه انجمن علمیه به تاریخ ۷ جون بصورت دقیق و کلی مورد بحث و مذاقه قرار گرفت. نتایج و پیامد های عمده مباحثات این انجمن در امان افغان منتشر شد. بعداً پس از هفت ماه همین اخبار خبر افتتاح مکتب دخترانه را در کابل به نشر سپرد. ابتکار مطلق که در سیستم تعلیم و تربیه افغانی در فاصله کمتر از دو سال به سلطنت رسیدن امیر امان الله خان بوجود آمد و توسط هژده عضو انجمن تأید شد، گشایش فصل نوی شمرده می شود.

همچنان نباید از نظر دور داشت که نقش اولی را در بوجود آوردن قسمت بزرگ این عمل ابتکاری دربار را زنان خانواده شاهی اجرا کرده اند؛ زیرا فامیل ملکه، یعنی فامیل محمود طرزی وزیر امور خارجه، تنها یک خانواده ادیب و باسواد نی، بلکه خود یک مکتب اندیشه و تفکر شمرده میشدند.

پایان قسمت اول